



درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات

تئودور آدورنو، جورج لوکاچ، لوسین گلدمن و...
ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده

www.ketab.ir

سرنام: نه، نده، محمدجعفر، ۱۳۷۷-۱۳۳۳، گردآورنده، مترجم
عنوان: یادآور: درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات / تئودور آدورنو، جورج لوکاچ،
س. م. و... ترجمه: محمدجعفر پوینده

وضعیت ویراست: [استاد]
مشخصات سر: نه، ششصد و نود و شش، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهر: ۴۸۱ ص.

شابک: ۴-۱۱۲-۳۶۲-۹۶۴-۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فنی

یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان «درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات» مجموعه
مقاله‌ها نیز منتشر شده است.

موضوع: ادبیات - جنبه‌های اجتماعی

Literature and society: موضوع

موضوع: ادبیات - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Addresses, essays, lectures - literature

موضوع: ادبیات - فلسفه

Literature - Philosophy: موضوع

موضوع: ادبیات - روان‌شناسی

Literature - psychology: موضوع

موضوع: زیبایی‌شناسی

Aesthetics: موضوع

شناسه‌ی افزوده: آدورنو، تئودور دبلیو، ۱۹۶۹-۱۹۰۳ م.

شناسه‌ی افزوده: Adorno, Tneodor W

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ / ۹۰۴ / ۵۸۱

رده‌بندی دیویی: ۸۰۱ / ۹

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۰۹۳۹۱

فهرست

- پیش‌گفتار ۷
۱. جامعه‌شناسی ادبیات / آلین گلارن ۵۷
۲. جامعه‌شناسی ادبیات و روش‌های ریاضی: آن / ژاک لنار ۷۱
۳. جامعه‌شناسی ادبیات و بنیان‌گذاران آن / تادیه ۸۷
۴. روش‌های تجربی و دیالکتیکی در جامعه‌شناسی ادبیات / پیر و زیما ۱۲۰
۵. جامعه‌شناسی رمان از دیدگاه یان وات، لوداچ، سری، گلدمن، باختین / پیر و زیما ۱۳۸
۶. روش ساخت‌گرای تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات / لوس گلدمن ۱۷۸
۷. لوکاچ، گلدمن و جامعه‌شناسی رمان / فرانکو فراروتی ۱۹۸
۸. کوهلر: چشم‌اندازی نو در جامعه‌شناسی ادبیات / محمدجعفر ۲۰۵
۹. تزهایی درباره‌ی جامعه‌شناسی ادبیات / اریش کوهلر ۲۱۱
۱۰. سخنی پیرامون شعر غنایی و اجتماع / تودور و آدورنو ۲۲۲
۱۱. بررسی محتواها، مرحله‌ای اساسی در جامعه‌شناسی ادبیات معاصر / امری زالا، اسک ۲۴۲
۱۲. جامعه‌شناسی رمان در مکزیک (۱۹۶۵-۱۹۱۵) / جورج هواکو ۲۵۱
۱۳. شی‌وارگی / ژرژ لایکا ۲۵۸
۱۴. آن که نامش هگل است / ژاک دونت ۲۶۳
۱۵. زیبایی‌شناسی بلینسکی و تأثیر‌پذیری از هگل / گی پلاتنی-بونژور ۲۷۳
۱۶. واقع‌گرایی زیبایی‌شناختی: چرنشفسکی و هگل / گی پلاتنی-بونژور ۲۷۹
۱۷. رمان از نظرگاه هگل / لوکاچ-هگل ۳۰۲
۱۸. درباره‌ی رمان / جورج لوکاچ ۳۰۸
۱۹. مسائل اساسی درباره‌ی مجادله‌ای بی‌اساس / جورج لوکاچ ۳۲۶

۲۰. درباره‌ی پیروزی رئالیسم / جورج لوکاچ ۳۳۷
۲۱. زمینه‌ی اجتماعی - تاریخی تکوین رمان تاریخی / جورج لوکاچ ۳۴۴
۲۲. آرمان هنر، خودآگاهی نوع بشر است / جورج لوکاچ ۳۵۸
۲۳. درباره‌ی نوشتار رئالیستی / برتولت برشت ۳۶۵
۲۴. نقش مسلکی نویسنده / ویکتور سرژ ۳۶۹
۲۵. مسائل نقد ادبی / آنتونیو گرامشی ۳۷۳
۲۶. اجتماعیات در ادبیات - نگاهی به اشعار آنا آخماتووا - / الکساندر کولونتای ۳۸۱
۲۷. بالرک و واقعیت / میشل بوتور ۴۰۱
۲۸. رابله و تاریخ خنده / میخائیل باختین ۴۱۹
۲۹. رابله، فرهنگ خنده‌آور مردمی، کارناوال رئالیسم گروتسک / میخائیل باختین ۴۳۴
۳۰. دایه یفسکم، آفریننده‌ی رمان چندآوایی / میخائیل باختین ۴۴۹
۳۱. مسئله‌ی «خواه، مصالح و صورت در آثار ادبی» / میخائیل باختین ۴۵۲
۳۲. منابع مریخی این کتاب ۴۷۰
۳۳. واژه‌نامه‌ی فاسی فرانسه ۴۷۳
۳۴. واژه‌نامه‌ی فرانسه، فاسی ۴۷۸

پیش‌گفتار

کتاب حاضر در برگزیده‌ی سی و یک مقاله از بیست اندیشه‌گر بزرگ و نام‌دار جهان است و با این امید درآمیخته‌ی به‌کارگیری در جامعه‌شناسی ادبیات نام گرفته که امکان‌آشنایی اولیه‌ی خوانندگان علاقه‌مند را با تاریخچه، سیر تحول، جنبه‌ها، روش‌ها، نظریه‌ها و مقوله‌های گوناگون رشته‌ی نوپا و گسترده‌ی ادبیات فراهم کند. مجموعه‌ی ادبیات فراهم آورد، رشته‌ای که از پیچیده‌ترین، جدیدترین، میان‌رشته‌ای‌ترین و چندرشته‌ای‌ترین رشته‌های مربوط به فرهنگ و علوم انسانی است. همین امر باعث شده که در یک اثر نظری واحد و یکپارچه نباشد و شکل مجموعه‌مقاله را به خود بگیرد، شکلی که با محتوای آن پیوندی ناگسستگی دارد. نظریه‌ی لوسین گلدمن^۱ در پیش‌گفتار کتاب پژوهش‌های ادبی در باب تفاوت میان مقاله، مجموعه‌مقاله و اثر نظری، در مورد کتاب حاضر نیز صدق می‌کند: «اثر نظری به معنای دقیق کلمه، مقاله، و مجموعه‌مقاله سه نوع ادبی متفاوت هستند».

اثر نظری، یعنی بررسی جدی و عمیق موضوعی خاص بر مبنای مسأله‌ی واقعی، کافی، طبعاً هدف هر پژوهشی است. ولی متأسفانه بدیهی است که هر پژوهشگر در طول زندگی خود فقط می‌تواند تعداد بسیار معدودی از چنین کارهایی را به سرانجام رساند که تهیه و تدوین آن‌ها سال‌ها به درازا می‌کشد.

اما هر پژوهشگری از روی تجربه می‌داند که به هنگام کار درباره‌ی موضوعی خاص، در جریان تحقیق، تفکرات روش‌شناختی و فرضیه‌هایی درباره‌ی موضوعات دیگری

بیان می‌کند که خودش وقت کافی برای تدوین آن‌ها ندارد. دقیقاً بر عهده‌ی مقاله‌ی مجله‌ای است که این تفکرات و فرضیه‌ها را در مباحثه‌ی علمی وارد کند تا شاید در درون آن، به عاملی مفید و حتی آغازگاهی احتمالی برای پژوهش‌های بعدی دیگر پژوهشگران بدل شوند.

در حیات علمی و به‌ویژه در علوم انسانی که بخش اعظمی از کار انجام‌شده هنوز پراکنده و نامنظم است، مقاله جایگزین و تداوم بخش تبادل آرا میان پژوهشگران منفرد یا مراکز پژوهشی‌ای است که می‌کوشند مسائلی همانندی را به موازات هم حل کنند. و اما مجموعه مقاله، در عین حال که کارکردهای مجموعه مقاله‌های پراکنده را البته حفظ می‌کند، مثابه‌ی یک کلیت، دست‌کم دو کارکرد جدید دیگر نیز دارد:

الف. نشان دادن گونگی تدوین گام‌به‌گام بررسی یک مسئله، دشواری‌هایی که باید بر آن‌ها غلبه کرد، و اسی‌ها، تردیدآمیزی که پیش‌روی از خلال آن‌ها صورت می‌گیرد و... (این نشان دادن، برابر با ارزیابی و ارزشمند است.)

ب. روشن کردن تمرکز و کلامی، برعکس، سترونی‌یابی حاصلی نظرگاه روش‌شناختی معینی. (بررسی سیب‌نری، این کار را در عرصه‌ی عمقی و درون‌گستر (متمرکز) و مجموعه مقاله آن را در عرصه‌ی طولی و بیرون‌گستر (نامتمرکز) انجام می‌دهد.) در واقع سطح کنونی پیشرفت جامعه‌شناسی ادبیات در ایران، که مانند بسیاری از دیگر رشته‌ها و شاید بیش از سایر آن‌ها، از سطح موج جهانی بسیار پایین‌تر است، آشنایی با نظریات، روش‌های گوناگون، دشواری‌ها، سیر تکاملی، نقاط ضعف و قوت دیدگاه‌های گوناگون در این عرصه را ضروری می‌سازد و هدف کتاب حاضر نیز کمک به همین امر است.

نگارنده امیدوار است پس از انتشار این کتاب که زمینه را تاحدی برای انتشار آثار نظری کامل و مستقل هموار می‌کند، کتاب پیر و زیما به نام مبانی جامعه‌شناسی ادبیات (راهنمای نقد اجتماعی) را ترجمه و منتشر کند که کامل‌ترین کتابی است که تاکنون در این رشته نوشته شده است.

بررسی دقیق و نظام‌مند وضعیت جامعه‌شناسی ادبیات در ایران، کاری عظیم و ضروری است اما فرصت، فراغت و گنجایشی دیگر می‌طلبد و نگارنده امیدوار است در

اولین فرصت به آن پرداخته شد. شرح مفصل دیدگاه گردآورنده و مترجم این مجموعه نیز کاری جداگانه است و در این فرصت نمی‌گنجد. اما در این پیش‌گفتار که با هدف معرفی یکایک مقاله‌های این مجموعه تهیه شده، خطوط کلی این دیدگاه نیز در مواردی به صورت پراکنده مطرح شده است.

پیشرفت رشته‌ای به گستردگی جامعه‌شناسی ادبیات در گرو تلاش و همت تمام علاقه‌مندان به مباحث این رشته است و با کوشش یک یا چند تن به جایی نمی‌رسد. امید نگارنده آن است که با انتشار این کتاب، در حد توان ناچیز خود، به گسترش بحث در این عرصه یاری رساند و آنچه بیش از هر چیز می‌تواند تشویق‌گر و یاری‌رسانش باشد، انتقادات و پیشنهادهاى عالمانه‌ی اهل فرهنگ و ادب و خوانندگان هوشیار و فرزانه و فرهنگ‌پره‌است.

اولین مقاله این مجموعه به قلم فیلسوف و منتقد رومانی تبار فرانسوی، لوسین گلدمن (۱۹۷۰-۱۹۱۳) است که چه بسا، رگ‌ترین جامعه‌شناس ادبیات در قرن بیستم باشد. این مقاله که در دانش‌نامه‌ی معروف و معتبر انسیکلوپدیا او نیورسالیس منتشر شده، با تأکید بر یکی از محورهای جامعه‌شناسی ادبیات آغاز می‌شود: «در آفرینش هنری، یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست، بلکه اثر، بیان نوعی، آگاهانه یا ناآگاهانه، او را به یک جامعه می‌رساند.» لوسین گلدمن از سه نوع پژوهش در عرصه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات نام می‌برد: ۱. مجموعه‌ای از بررسی‌های جامعه‌شناختی درباره‌ی چاپ، پخش و به‌ویژه دریافت یا پذیرش آثار ادبی که در اصل همان روش‌های دیگر شاخه‌های جامعه‌شناختی دانشگاهی را به کار می‌بندد؛ ۲. روش‌هایی که به بررسی برخی از جنبه‌های جزئی متون ادبی در مقام نشانه‌ها و فرامودهای آگاهی جمعی و دگرگونی‌های آن می‌پردازد؛ ۳. جامعه‌شناسی آفرینش ادبی به معنای اخص. این روش‌شناسی که بیشتر مورد نظر گلدمن است، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی سنتی و دیگری جدید که با کارهای لوکاج^۱ آغاز شده است و می‌توان آن را جامعه‌شناسی دیالکتیکی ادبیات نیز نامید. گلدمن تفاوت این دو دیدگاه را به تفصیل شرح می‌دهد و با توجه به چیرگی دیدگاه سنتی در نقد جامعه‌شناختی ادبیات در ایران، آشنایی با دیدگاه جدید بسیار ضروری و راه‌گشاست. بنیان‌گذار این رشته لوکاج است که «یکی از مهم‌ترین شایستگی‌هایش ممکن ساختن پیوند

جامعه‌شناسی ادبیات بازیابی‌شناسی کلاسیک و دیالکتیک کانت و هگل و مارکس است.^۱ سپس مفاهیم «ساختار معنادار» و «پیشینه‌ی آگاهی ممکن» که از مقوله‌های اساسی روش لوکاچ و گلدمن هستند توضیح داده می‌شوند.

گلدمن کتاب تاریخ و آگاهی طبقاتی اثر لوکاچ را راه‌گشای جامعه‌شناسی ادبیات می‌داند. مفهوم محوری هرگونه جامعه‌شناسی دیالکتیکی — و در نتیجه جامعه‌شناسی دیالکتیکی ادبیات — مفهوم پیشینه‌ی (یا غایت و حداکثر) آگاهی ممکن است. به نظر گلدمن، در واقع «دو نوع جامعه‌شناسی آفرینش ادبی وجود دارد: یکی جامعه‌شناسی استوار بر مفاهیم آگاهی جمعی واقعی، محتوا، کلیشه‌های ذهنی و بازتاب... دوم جامعه‌شناسی استوار بر مفاهیم آگاهی جمعی بالقوه، پیشینه‌ی آگاهی ممکن، انسجام، ترکیب دیالکتیکی و حاکم غنا...» سپس درباره‌ی دو مرحله‌ی تفسیر (یا دریافت) و تشریح در پژوهش جامعه‌شناختی توضیح داده می‌شود که از مهم‌ترین کوشش‌هایی است که تاکنون برای پیوند تحلیل تاریخی و متنی با تحلیل بیرونی (جامعه‌شناختی) صورت گرفته است. بخش سوم مقاله‌ی گلدمن به روش‌های جامعه‌شناسی ادبیات و نقد نو مربوط می‌شود و وجوه اشتراک و افتراق جامعه‌شناسی ادبیات با روش ساخت‌گرایی زبان‌شناختی و تشریح روان‌کاوانه بیان می‌کند. بخش آخر مقاله‌ی گلدمن به نتایج چند بررسی معین می‌پردازد و به آثاری از آرنولد هاوس، اریش کوهرلر و... اشاره می‌کند و از تمام این آثار با عنوان «جامعه‌شناسی دیالکتیک آفرینش ادبی» نام می‌برد. این مقاله‌ی کوتاه خطوط کلی نظریه و روش گلدمن را معرفی می‌کند و علاقه‌مندان به آشنایی بیشتر با نظریه و روش او می‌توانند به مقاله‌ی «جامعه‌شناسی ادبیات: جایگاه مسائل روش» رجوع کنند که مفصل‌ترین و جامع‌ترین مقاله‌ی گلدمن درباره‌ی روش جامعه‌شناسی ادبیات است.^۲ گلدمن در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان) نیز به توضیح نظریه و روش خود پرداخته و آن‌ها را در تحلیل رمان‌های آندره مالرو و رمان نو به کار بسته است^۳ که از تحلیل‌های کلاسیک جامعه‌شناسی ادبیات محسوب می‌شود.

1. Erich köhler

۲. این مقاله در صفحات ۲۳۹ تا ۲۷۸ این کتاب آمده است: جامعه، فرهنگ، ادبیات: لوسین گلدمن، گزیده و ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۶.

۳. جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)، ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده، انتشارات هوش و ابتکار، تهران، ۱۳۷۱.

مقاله‌ی دوم، «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن»، نوشته‌ی پژوهشگر و منتقد معاصر فرانسوی ژاک لنار^۱ است که آثار متعددی درباره‌ی ادبیات، هنر و زیبایی‌شناسی در چشم‌انداز جامعه‌شناسی آفرینش هنری منتشر کرده است. او ضمن تأثیرپذیری از دیدگاه گلدمن، از آن فراتر می‌رود و ساختارهای معنایی رمان را به وضعیت سیاسی و اجتماعی زمانه پیوند می‌دهد. در عین حال برای تلفیق رویکرد جامعه‌شناسانه با رویکرد روان‌کاوانه تلاش می‌کند. ژاک لنار عضو انجمن مطالعات پیشرفته‌ی دانشگاه پرینستون، استادیار میهمان در دانشگاه‌های گوناگون و سرپرست گروه جامعه‌شناسی ادبیات در مدرسه‌ی مطالعات «ی‌ا‌س‌ا» علوم اجتماعی (اکول پراتیک) در فرانسه است.

ژاک لنار در مقاله‌ی دانش‌نامه‌ای «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن» که آن را برای «پنجمین کنگره بین‌المللی ادبیات و زبان» نوشته است، در آغاز به این نکته‌ی مهم اشاره می‌کند: «نماد ریشه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات با مجادله‌ی نظری آمیخته شده است.» سپس به دوگانه‌ی «ذاتی/ساختی» می‌پردازد: «در دنیای معاصر ادبیات در آن واحد و به طرز جدایی‌ناپذیر، هم کتاب است هم اثر ادبی، و هم خواندن یا مطالعه. کتاب، یعنی کالایی که در یک چرخه‌ی بازگشتی توزیع و مبادله می‌شود؛ ادبی، اثر ادبی، یعنی کاربر اندیشه و زبان، کاری که ارجاعات معنوی، تخیلی یا واقعی دارد؛ خواندن، یعنی مکالمه و ارتباط میان نوشته (نویسنده) و خواننده، جامعه و گروه‌های سازنده‌ی جامعه یا گروه‌های کمابیش بیگانه با آن.»

سپس به تمایزی مهم در این رشته اشاره می‌کند: به تعبیر اریک کوهن جامعه‌شناسی ادبیات که بخش جدایی‌ناپذیر جامعه‌شناسی عمومی است، «برای کاربرد روش‌های جامعه‌شناسی در مورد پخش، فروش و خوانندگان، نهادهای ادبی، گروه‌های حرفه‌ای مانند نویسندگان، استادان یا منتقدان و در یک کلام هر آن‌چه در ادبیات خارج از خرد متنی ادبی است تلاش می‌ورزد. اما جامعه‌شناسی ادبی یکی از روش‌های علوم ادبیات است، یعنی روشی انتقادی که به متن (از واج‌شناسی تا معناشناسی) و به معنای آن توجه دارد.» دشواری دانش‌شناختی مهمی که جامعه‌شناسی ادبیات با آن روبه‌روست به نبود کمترین

وحدتِ نظر در مورد نقش‌ها و کارکردهای هنر و نیز به این واقعیت بازمی‌گردد که هنر و ادبیات موضوع مبارزاتِ حادِ پنهان و آشکار است. نویسنده سپس به تعریفِ جامعه‌شناسی کتاب و جایگاهِ آفرینش و جامعه‌شناسی آثارِ ادبی می‌پردازد و بحث با اشاره به پوزیتیویسم و نظریه‌ی بازتاب و با این جمله‌ی قاطع آغاز می‌شود: «هیچ‌کس از روزگار باستان، ارجاعِ اثرِ ادبی به عناصری از واقعیتِ اجتماعی یا آگاهیِ مشترکِ ملت یا گروه اجتماعی خاصی (منکر نیست).» جریان‌های پوزیتیویستی طرف‌دار یا مخالف مارکسیسم که تا آغاز سده‌ی بیست و یکم بر این رشته حاکم بودند به علتِ تأثیرپذیری گسترده از جبرباوری علم‌زده‌ی بسیار رایج در سده، نوزدهم، برداشتی پویا از عمل اجتماعی نداشتند و به همین سبب در بیشتر موارد نمی‌توانستند از برقراری پیوندِ ایستای محتواهای ادبی، تصویرها و مفهومی‌ها با منافع اقتصادی و مصلحت‌های دیگر جامعه‌ها فراتر بروند. نیازی به تذکر نیست که چنین نگرشی در نقد جامعه‌شناختی ادبیات ایران نیز حاکم بوده و هنوز نیز حاکم است. یکی از مهم‌ترین علت‌های سترونی چنین نقش‌ها نیز به حاکمیتِ همین نگرش برمی‌گردد که شناخت و تبیینِ پیوندِ پیچیده و پویای ادبی با زمینه‌های اجتماعی آفرینش و تکوینِ آن‌ها عاجز است و به تحلیل‌های سطحی و شعارگونه بسنده می‌کند.

در بخش بعدی مقاله با عنوان «ساختارهای ادبی و ساختارهای زیبایی‌شناختی» به آثارِ لوکاچ اشاره می‌شود. ساختارهای زیبایی‌شناختی که به نظرِ کانت و هگل ذاتِ اثرِ هنری را می‌سازند و ساختارهایی منسجم و یکپارچه‌اند، برای نخستین بار در آثارِ لوکاچ به ساختارهای اجتماعی پیوند داده می‌شوند. این گفته‌ی لوکاچ به‌این‌ترتیب بر واقع اصلی اساسی جامعه‌شناسی دیالکتیکی ادبیات است: «عامل حقیقتاً اجتماعی در ادبیات، همانا صورت است.» توجه لوکاچ به صورت، که البته (مانند هگل) آن را در پیوندِ جدایی‌ناپذیر با محتوا می‌داند، بازگشتی به روشِ دیالکتیکی و تاریخی است که در زیرِ انبوهی از تفسیرهای مبتذلِ مارکسیسمِ عامیانه مدفون شده است. نگرشِ لوکاچ همانندیِ شگفت‌انگیزی با نگرشِ مارکس و انگلس دارد که در این مختصر فقط به ذکر دو نکته‌ی روش‌شناختی مهم بسنده می‌شود. کارل کورس^۱ در پیش‌گفتارِ خود بر کتابِ حقوق‌دان برجسته‌ی روس

اوگنی ب. پاشوکانیس^۱ می‌نویسد: «ف. انگلس در اواخر زندگی خود—مستقل از دیگر ملاحظات انتقادی که در پی تکامل تاریخی درباری شایستگی‌ها و کمبودهای نظریه‌های مارکس و خودش مطرح کرده—یادآوری می‌کند که کاربرد نظریه‌های آنان، مارکسیست‌ها را به نادیده گرفتن صورت و توجه صرف به محتوا کشانیده، یعنی به نادیده گرفتن شیوهی شکل‌گیری باز نمودهای سیاسی، حقوقی، ایدئولوژیکی و نیز عمل‌های میانجی پذیرفته‌از این باز نمودها که از واقعیت‌های اقتصادی اساسی منتج شده‌اند.»^۲ مارکس نیز در کتاب سرمایه روش تحلیل محتوا را بسیار آسان‌تر از تحلیل صورت، و روش دوم را یگانه روش علمی و ماتریالیستی^۳ می‌داند. این نگرش مارکس به روشی نشان می‌دهد که روش دیالکتیکی تا چه حد با ت. بن‌های جامعه‌شناسی گری عامیانه از محتوای آفرینش‌های فرهنگی بیگانه است: «یافتن محار و هستی‌زمینی برداشت‌های مه‌آلود دین‌ها به یاری تحلیل، بسیار آسان‌تر است تا این که در راه معکوس نشان دهیم اوضاع واقعی زندگی چگونه اندک‌اندک صورتی اثری به خود می‌گیرد. راه دوم، گانه روش ماتریالیستی، و در نتیجه علمی است.»^۴ ادیب و منتقد نام‌دار ایرانی، تقی‌علی کدکنی، نیز در این باره نکته‌ای هوشمندانه گفته است: «... چندی که توانسته‌اند در مواردی صفت‌ها را با شرایط تاریخی و اقتصادی پیدایش آن‌ها و در چشم‌اندازی گسترده‌تر: زندگی، مربوط کنند، مهم‌ترین کارها را در حوزهی مطالعات اجتماعی آثار ادبی و در مواردی جامعه‌شناسی ادبیات عملاً انجام داده‌اند؛ از قبیل کارهای آونرباخ در محاکات و کارهای اسپیتز در جامعه‌شناسی و تاریخ ادب و کارهای لوکاچ در زمان تاریخی و کارهای لوسین گلدمن در جامعه‌شناسی، پنهان، بی‌گمان... این گونه کارها در جهان، بسیار نادر و دشواریاب است و با شباهت‌های شعاع‌آمیز و کلی‌بافی‌های ژورنالیستی بعضی مدعیان وطنی، هیچ ارتباطی ندارد.»^۵

ژاک لنار در قسمت بعدی مقاله‌ی خود به توصیف آفرینش ادبی در زمان گلدمن می‌پردازد. سپس در بخشی با عنوان «انسجام، تضاد و چندآوایی» نکات بسیار مهمی درباره‌ی باختین^۶، رابطه‌ی دیدگاه او با گلدمن و آرای کوهرلر، مکتب فرانکفورت و دیدگاه

1. Evgeny B. Pažukanis

۲. نامه‌ی ف.د. انگلس به ف.د. مرینگ در ۱۴ ژوئیه‌ی ۱۸۹۳ به نقل از کتاب زیر اثر کارل کوهرلر:

Kernpunkte der materialistischen Geschichtsauffassung [Berlin, 1922]

3. *Le Capital*, Livre premier, Paris, Editions Sociales, 1976, pp. 631-632.

۴. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، انتشارات آگاه، تهران، چ. سوم، ص. ۲۰.

5. Mikhail Bakhtine

آدورنو^۱ - زیبایی‌شناسی نفی‌کننده - بیان می‌کند. زیبایی‌شناسی نفی‌کننده، زیبایی‌شناسی جهان‌نگری یا آگاهی طبقاتی را به پرسش می‌گیرد که در اثر هنری جوای رابطه‌ای مثبت با شکل‌های آگاهی اجتماعی است و تأکید می‌ورزد که «هنر پیش از هر چیز با دیدگاه مخالفت‌آمیز در برابر جامعه، اجتماعی می‌شود و به این دیدگاه دست نمی‌یابد مگر به عنوان هنر مستقل.» سپس به آرای رولان بارت و سارتر، به‌ویژه در مورد استقلال عمل ادبی اشاره می‌کند. در بخش بعد با عنوان «نهاد ادبی و نهاد ادبیات» تحولاتی که در جریان سده‌ی نوزدهم در وضعیت نویسندگان و رابطه‌ی آنان با خوانندگان‌شان پیش آمده و نظریه‌ی نهاد ادبیات که بر نظریه‌ی «میدان ادبی» از پیر بوردیو استوار است، توضیح داده و به‌درستی خاطر نشان می‌کند که «شناخت موضوع پیچیده‌ای مانند ادبیات مستلزم همگرایی نوع نگرش هست و نه توالی دیدگاه‌هایی که مطلق انگاشته می‌شوند.» نویسنده توصیه می‌کند که جامعه‌شناسی متن و تجربه‌ی زیبایی‌شناختی مربوط به آن، باید در عین حال جامعه‌شناسی نهاد ادبی طبقات اجتماعی و خوانندگان باشد.»

بخش سوم به جامعه‌شناسی خواننده می‌پردازد. جامعه‌شناسی خواندن از تازه‌ترین بخش‌های جامعه‌شناسی ادبیات است. با تمرکز توجه به تجربه‌ی زیبایی‌شناختی خاص عرصه‌ی ادبی شکل گرفته است. اولین نکته، مهم به تفاوت جامعه‌شناسی خواندن با جامعه‌شناسی ارتباطات برمی‌گردد. ادبیات صرفاً به انتقال پیام نیست. در این بخش نخست به جنبه‌های گوناگون خواندن پرداخته می‌شود و مقوله‌های مختلف عرصه‌ی خواندن، گزینش خواندن و نقش نهاد ادبی در گزینش خواندن بررسی می‌شود. به نظر لنار، مسئله‌ی مهم در جامعه‌شناسی خواندن، درک پدیده‌ی اساسی خواندن است. به معنای فعالیت فکری و لذت بخش خواندن برای خواننده یا به عبارت دیگر، تجربه‌ی زیبایی‌شناختی. حتی خواندن، گزینش و لذت این شاخه از جامعه‌شناسی ادبیات به دشواری تدوین روشی جامعه‌شناختی برمی‌گردد که قادر به ارزیابی و درک تنوع خواندن‌های یک متن باشد. هر گروه اجتماعی با توجه به میزان تحصیلات و جایگاه اجتماعی خود و انتظاراتی که در نتیجه‌ی این دو عامل شکل می‌گیرد، متن را برای انطباق با کاربرد دلخواه خود دگرگون می‌کند.